

## کشتار و قتل عام مردم بیدفاع مابوسیله جنایتکاران امریکائی و ناتو و دولت مزدور همچنان ادامه دارد؛ راه نجات خلق و میهن کدام است؟

به ادامه کشتارها و قتل عامهای که در طی هفت سال اخیر بوسیله قوای اشغالگر امریکائی و ناتو دولت مزدورانها در مناطق مختلف کشور صورت گرفته است، باز هم اشغالگران امریکائی دست به جنایت وحشیانه ای دیگری زدند و آن کشتار بیش از 90 نفر و زخمی کردن ده هاتن دیگر در ولسوالی شیندند مربوط ولایت هرات است. به نقل از خبرگزاری بی بی سی حوالی نیم شب روز جمعه 22 اگست 2008 (اول سنبله 1387 خورشیدی) طیارات امریکائی به بهانه اینکه نیروهای طالبان در آن محل تجمع کرده اند، قریه نوآباد- عزیزآباد مربوط ولسوالی شیندند را ساعتها بمباران کردند که در نتیجه بیش از 90 نفر کشته شده و ده ها منزل مسکونی مردم مظلوم رابه خاک یکسان کردند. طبق گزارش نماینده بی بی سی در هرات که روز شنبه از محل واقعه گزارش می داد گفت که: " زمانی بازماندگان مقتولین در برابر این جنایت سهمگین ضد بشری ارتش اوباش و جانی امریکا و متحدین آن دست به اعتراض و تظاهرات زدند پولیس دولت مزدور استعمار بر آنها فیر کرده و سه نفر آنها را نیز بقتل رساند."

حدود هفت سال است که کشتار و قتل عام و دیگر جنایات ضد بشری نیروهای اشغالگر امریکائی و ناتو و دولت دست نشانده آنها زیر شعار (« جنگ علیه تروریسم » ) ادامه داشته و همچنان ادامه خواهد یافت. اشغالگران امریکائی و متحدین آنها در این مدت جنایات و تجاوزات و اعمال شنیع غیر قابل وصفی را علیه مردم افغانستان خصوصاً در ولایات جنوب غربی و شرقی کشور مرتکب شده اند. این وحشی های «متمدن» بیشرمانه و با پرروئی تمام همه جنایات و تجاوزات، ستم و بیدادگری های شانرا علیه مردم افغانستان و عراق بنام دفاع از دموکراسی و حقوق بشر انجام داده و میدهند. در حالیکه ماهیت اهداف و نقشه های سلطه جویانه و غارتگرانه این قدرتهای جهانخوار خصوصاً دولت امریکا آشکار است؛ اما این قدرتهای اهریمنی جهانخوار و خود فروخته ها و چاکران ذلیل و حقیرشان در افغانستان و عراق با هزار نیرنگ و ترفند وجود قوای اشغالگر و سلطه استعماری قدرتهای امپریالیستی را توجیه مینمایند. ارتش های اشغالگر وحشی و جانی نظریه خصلت و سرشت آنها نه اینکه کمترین توجهی به رعایت حقوق انسانی مردم افغانستان و عراق ندارند که حتی جان مردم نزد آنها پیشیزی هم ارزش نداشته و در کشتار و قتل عام مردم مظلوم و بیگناه خم به ابرو نمی کنند. اینست مفهوم «دموکراسی و ترقی» ای که امریکا و ناتو به ارمان آورده اند.

امپریالیسم نظریه سرشت و خصلت اش به سلطه گری غارتگرانه و تقویت و بسط ارتجاع در جهان کوشیده و در جهت پیش برد اهداف و مرام شوم اش از هیچ گونه جنایتی علیه خلقها و ملل تحت ستم روی گردان نیست. قدرت های استعماری و امپریالیستی در کشورهای تحت سلطه شان تا حد امکان همه طبقات، گروه و عناصر ارتجاعی و مزدور را به خدمت گرفته و بر توده های خلق اسیر این کشورها حاکم میگردانند. در افغانستان در طول تاریخ قدرتهای مهاجم و استعمارگر و امپریالیسم بعد از کشتار و قتل عام مردم و ویرانی کشور و نابودی تمدن و غارت دست آوردهای مادی و معنوی توده های خلق جهت به انقیاد کشیدن آنها از چنین شیوه های کار گرفته اند. هر زمانی که قدرت های استعماری و امپریالیستی بر کشور هجوم آورده اند جهت سرکوب مردم و تامین سلطه استعماری شان به نیروها و طبقات ارتجاعی اتکا کرده اند. ناگفته نماند که در شرایطی هم عناصر و گروه های از طبقات ارتجاعی فتودال و کمپرادور و قشر روحانی مرتجع همکار و جاده صاف کن قدرتهای استعماری و امپریالیستی در اشغال کشور و بسط سلطه استعماری آنها بوده اند. از جمله شاه شجاع

ابدالی (معروف به لندنی) و متحدین آن که در سال ( 1839 میلادی ) در رکاب ارتش استعماری انگلستان قرار داشت و بعد از تامین سلطه استعماری دولت انگلیس بر کشور به حیث شاه دست نشانده داغ تنگ نوکری استعمار ابرجبین داشت. همچنان ببرک کارمل (معروف به مسکوی) در رأس جناح پرچم از حزب مزدور «دموکراتیک خلق» بتاريخ 6 جدی سال 1358 شمسی سوار بر تانکهای ارتش متجاوز و اشغالگر اتحاد شوروی وقت وارد کشور شده و بعد از سرکوب جناح رقیب (جناح خلق به سرکردگی امین خاین و جلاد) از حزب مزدور برچوکی دولت استعماری روسها تکیه زد. همچنان که کرزی این نوکری اختیار و بر عرضه بعد از تهاجم نظامی و اشغال استعماری کشور بوسیله امپریالیزم امریکا و ناتو در سال 2001 میلادی بحیث سرکرده ای گروه ها و عناصر جانی، خاین و میهن فروش در رأس دولت دست نشانده قرار گرفت که تا امروز حکومت ننگین اش دوام دارد. در همه دوره های که استعمار و امپریالیزم و سوسیال امپریالیزم سلطه مستقیم و یا غیر مستقیم شانرا بر کشور و مردم تحمیل کردند، دولت های وابسته و مزدورانها در رأس طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور به سرکوب و وحشیانه ای مردم دست یازیده و گروه ها و عناصر ارتجاعی و روحانیون مرتجع و میهن فروش تا حد استعداد و توان و موقعیت اجتماعی شان در اغفال و متوهم ساختن توده های خلق از هرگونه ترفند و نیرنگ علیه آنها استفاده کرده اند.

به همین منوال قماشهای تحصیل کرده و «روشنفکر» طبقات ارتجاعی هر کدام به اندازه توان و استعداد شان بانوشتن مضامین و مقالات، کتابها و رساله ها، اشعار و مطالب «تحلیلی» از طریق مطبوعات و رسانه های جمعی دولتی و یا بوسیله نشرات و رسانه های غیر دولتی سعی کرده اند تا با مسخ حقایق، توده های مردم ناآگاه را اغوا کرده و فریب دهند. قشر روحانیون مرتجع و مزدور از جمله حضرت ها و نقیب ها در خدمت استعمار و ارتجاع قرار گرفته و با وسیله قراردادان دین و مذهب و سوء استفاده از باورهای دینی و مذهبی توده های ناآگاه مردم به تخدیر اذهان آنها پرداخته و همه جنایات قدرتهای اشغالگر و دولت مزدورانها را به انحای مختلف توجیه کرده و مردم را در برابر این همه جنایات و وحشیگریهای قدرتهای اشغالگر و دولت مزدور به صبر و بردباری دعوت کرده و افکار آنها را با خرافات مذهبی مسموم کرده اند.

در طی هفت سال اخیر طبقات ارتجاعی فئودال و تاجران دلال و گروه ها و عناصر نمایندگان فکری آنها از قبیل گروه های جهادی، طالبی، ملیشه ای، خلقی پرچمی، سازائی، افغان ملتی و آنده از شعله ایهای که به خدمت امپریالیزم و ارتجاع درآمده از قبیل دوکتور سیما سمر، دوکتور اعظم دادفر و دوکتور رنگین سپینتا و (چندین معین وزیر و والی و رئیس و سایر مقام های بلند در دولت دست نشانده) و غیره گروه ها و عناصر ارتجاعی و فرصت طلب و تسلیم طلب به خدمت قدرتهای امپریالیستی اشغالگر قرار گرفته و در اغوا، تخویف و سرکوب توده های مردم در جهت تحکیم سلطه استعماری قدرتهای امپریالیستی و بر ضد منافع مردم و میهن عمل کرده و می کنند. این گروه ها و نیروهای ارتجاعی و مزدور از طریق صدها نشریه و ده ها کانال تلویزیون و رادیو و سایت اینترنتی در داخل و خارج کشور (که اکثراً بوسیله قدرتهای امپریالیستی و نهاد های ارتجاعی تمویل می شوند) در خدمت قدرت های اشغالگر و دولت مزدور قرار داشته و در توجیه سلطه استعماری امریکا و ناتو و ترویج افکار انقیاد طلبی در بین جامعه قلم فرسائی کرده اند. در شرایط هفت سال اخیر امپریالیستهای اشغالگر با برابراه اندازی و تمویل حدود 2500 (NGO) ده ها هزار تحصیل کرده و «روشنفکر» را با معاش نسبتاً مناسب و تهیه وسایل زندگی بهتر از طریق همین موسسات غیر دولتی در موازی با دولت دست نشانده به خدمت گرفته و اینها بنام «بازسازی» کشور و رساندن «کمک» های عاجل به میلیونها توده گرسنه؛ شرایط کنونی حاکم بر کشور و مردم را توجیه میکنند.

قدرتهای اشغالگر و ارتجاع حاکم که عامل اصلی همه این جنایات و ستمگری و بدبختی مردم ماکصوصاً در طی سه دهه اخیر بوده و هستند، از این امر بخوبی آگاهی دارند که در طی سی سال

اخیر هزاران تن از روشنفکران مبارز انقلابی و مترقی که افکار و اهداف عالی جهت نجات مردم و میهن از سلطه امپریالیسم و ارتجاع فئودال کمپرادوری داشتند بوسیله باندهای مزدور خلقی پرچی و بداران روسی شان به جوخه هایی اعدام سپرده شده اند و یا در زندانهای مخوف سالها تحت شکنجه های غیرانسانی عذاب کشیدند. صدهاتن دیگر از روشنفکران انقلابی مردمی و افراد آزادیخواه در جریان جنگ مقاومت مردم افغانستان علیه رژیم مزدور خلقی پرچی ها و اشغالگران شوروی توسط گروه های ارتجاعی اسلامی در جبهات جنگ مقاومت و یادر کشورهای پاکستان و ایران به کمک دستگاه های جاسوسی این کشورها خاینانه سر به نیست شده اند. صدهاتن دیگر از این روشنفکران که جان سالم بدر بردند مجبور به ترک وطن شده اند که متأسفانه که بخش اعظم این روشنفکران فراری در طی سالهای طولانی دوران وطن و مردم در کشورهای مختلف غربی دیگر با مبارزه مردمی و داع کرده وعده ای هم با افکار و نظریات گذشته شان تجدیدنظر نموده اند.

در شرایط کنونی توده های مردم و روشنفکران و روشن بینان مدافع منافع مردم و میهن که اسیر قدرتهای امپریالیستی اندو کوچکترین اعتراض و حرکت شان برضد کشتار و جنایات و ستمگری های قدرتهای اشغالگر امریکائی و ناتو و دولت مزدور باگلوله پاسخ داده می شود؛ ملیونها تن از توده های مردم در منجلا ب فقر و گرسنگی، تنگدستی و بیچارگی و ستم طبقات فئودال و حکام دولتی و باندهای مسلح به رمق رسیده اند. انتشار متوسط جامعه در شهرها و دهات هم در طی سی سال اخیر دار و ندار شان را از دست داده و در شرایط فلاکتباری بسر می برند؛ منابع تولیدی کشور که عمدتاً زراعت و مالداری است اکثراً از کار افتاده است. بیش از دوثلث مواشی مردم به اثر جنگ ها و خشک سالی های متواتر از بین رفته و بیکاری هم بیداد میکند. بخشی از اراضی مرغوب زراعتی که به کشت کوکنار اختصاص یافته است آنهم مفاد اصلی آن به جیب زمینداران بزرگ و متوسط، قاچاقبران و همکاران دولتی و خارجی شان و باندهای مسلح مسلط بردهات و گروه طالبان و گلب الدین میریزد. دهقانان کم زمین و بی زمین خاصتاً آنهاييکه در طی سالهای اخیر از کشورهای پاکستان و ایران بوطن بازگشته اند در وضعیت نهایت رقتباری بسر می برند. در یک ثلث خاک کشور که نیروهای طالبان، حزب اسلامی گلب الدین و حقانی در آنها به نحوی کنترل و نفوذ دارند مردم بیدفاع علاوه بر تحمل رنج فقر و گرسنگی، بیماری و بی سوادى مورد حملات وحشیانه و قاتلانہ قدرتهای اشغالگر و گروه طالبان و گلب الدین قرار دارند و روزانه ده ها تن از کودکان، زنان و مردان بخاک و خون کشیده شده و یامعیوب و معلول می شوند.

این مطلب نیز قابل یادآوری است که نیروهای مخوف دیگری که زندگی مردم را تهدید کرده و زندگی و اعمال آنها را در شهرها و دهات شدیداً زیر نظر دارند، ده ها سازمان جاسوسی از کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی است که با استخدام هزاران نفر از عناصر جانی، مزدور منش و بی خاصیت بومی شبکه های وسیعی از جاسوسان داخلی را تشکیل داده اند. توده های عوام مردم و عناصر خوشبو و رکت می توانند اعمال جنایتکارانه این شبکه های جاسوسی را که علیه منافع آنها و کشورشان عمل مینمایند، درک کنند. به ادامه حکومت گروه های مزدور و جاسوس خلقی پرچی، جهادی و طالبی و شرایط هفت سال اخیر از ده ها کشور امپریالیستی و ارتجاعی شبکه های جاسوسی در کشور حضور داشته و دارند که برضد منافع مردم و میهن فعالیت می کنند. شبکه های جاسوسی هریک از این کشورها در زمینه ها و با پوششهای مختلف به اشکال و شیوه های خاص خودشان فعالیت میکنند. شبکه های جاسوسی «سیا» امریکا، انتلیجینت سرویس و M16 انگلستان، شبکه های جاسوسی دولتهای فرانسه، آلمان، ایتالیا، استرالیا، نیوزیلاند، جاپان، کانادا، هالند، فدراسیون روسیه، موساد دولت اسرائیل، دستگاه جاسوسی دولت ترکیه بنام (MET)، شبکه جاسوسی دولت ایران (واواک)، ISI پاکستان و دستگاه جاسوسی دولت هند بنام RAW

و دیگر دولت‌های که در افغانستان حضور دارند، فعالیت‌های جاسوسی شانرا عمدتاً از طریق اعضای عالی رتبه دولت دست نشانده و موسسات غیردولتی و خدماتی انجام می‌دهند. دولت های ایران و پاکستان که با افغانستان مرزهای طولانی دارند، دستگاه های جاسوسی آنها خصوصاً در طی سی سال اخیر در تمام بخشهای دولت و تاروپود جامعه رخنه کرده اند. علاوه بر اینکه عمال آنها در دولت دست نشانده در چوکات احزاب جهادی، ملیشه ای و طالبی وجود دارند در زمینه ها و عرصه های دیگری بصورت گسترده فعال اند.

شبکه اطلاعاتی و جاسوسی سپاه پاسداران ایران و بخش ویژه آن «سپاه قدس» در پوشش «سازمانهای خیریه»، مراکز فرهنگی و تعلیمی و دینی، موسسات تجارتي و اقتصادی مستقل و مختلط، و دستگاه های ساختمانی در ولایات مختلف کشور خاصاً در ولایات هرات، بلخ، کابل، فراه، منطقه هزاره جات و مناطق دیگر وجود دارند. ناگفته نماند که دولت ارتجاعی ایران این فعالیت های خرابکارانه و جنایتکارانه را در کشورهای عراق، لبنان، فلسطین، سوریه، تاجکستان، الجزایر و سایر کشورهای افریقای و آسیائی و در عده ای از کشورهای امریکای لاتین در جهت تامین منافع غارتگرانه اش و علیه منافع خلقهای این کشورها انجام داده و در کشورهای غربی بوسیله «سپاه قدس» علیه مخالفین سیاسی اش به اعمال خابنانه و جنایتکارانه دست میزند. دولت ارتجاعی پاکستان علاوه بر اینکه سعی دارد تا از طریق گروه های طالبان، گلبدین و حقانی و از طریق جنگ و عاملین استخباراتی اش در این گروه ها به اهدافش شومش در افغانستان دست یابد، همچنان از طریق گماشتگان بومی اش در دولت دست نشانده و از طرق مختلف دیگر بر ضد منافع مردم و کشور عمل میکند. همچنان شبکه های جاسوسی قدرتهای امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی علاوه بر وظایف خاص شان در جهت تفرقه افکنی بین ملیت ها و اقوام در مناطق مختلف کشور به منظور برهم زدن روحیه تفاهم و وحدت ملی بین آنها و تولید اغتشاش فکری و منحرف کردن افکار آنها از جنایات قدرتهای امپریالیستی اشغالگر و دولت مزدور عمل میکنند. بعلاوه شرکت های نظامی اطلاعاتی که بوسیله «سیا» امریکا به جهت تربیت ده ها هزار نظامی از افراد جانی و خود فروخته بومی برای فعالیت های حفظ امنیت ارتش ها و مامورین و تاسیسات قدرتهای اشغالگر وجود دارند که در اعمال جنایتکارانه شان علیه مردم افغانستان همچون ارتش های اشغالگر دست باز دارند.

در شرایط فعلی فشار بی حد و حصر فقر و گرسنگی، بیکاری و تنگدستی مردم مارانهایت بیچاره و ذلیل ساخته و نیز از دیاد تعداد معتادین به مواد مخدر بیگانه سرسام آور خاصاً جوانان و نوجوانان و مبتلایان به امراض مختلف روانی، شیوع مرض ایدز که قوس صعودی داشته و ترویج فحشا بلایای دیگری اند که بخشهای از جامعه بان گرفتار آمده اند. همچنان افزایش روز افزون بی امنیتی، عدم مصئونیت جانی و مالی، تجاوزات ناموسی، گروگانگیری، اختطاف و ده ها مصیبت و فجایع دیگر عرصه زندگی را بیش از پیش بر مردم ما تنگ ساخته و آنها را در لبه پرتگاه مخوفی قرار داده است. این همه فشارهای گوناگون اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، فقر و بیچارگی و فشارهای روانی سه دهه اخیر مردم مارا در چنان وضعیتی قرار داده است که اکثریت آنها به خرافات پناه برده اند. فشار این همه ستم و بیدادگری، جنایات و کشتار بر توده های مردم موجب ذخیره شدن نیروی عکس العملی گردیده و بر شدت تضاد توده های مردم علیه امپریالیستهای اشغالگر و دولت مزدور آنها افزوده است و خواهی نخواهی روزی کاسه صبر توده های مردم لبریز شده و واکنش شدیدی به شکل شورش و قیام در برابر قدرتهای اشغالگر دولت مزدور نشان خواهند داد. بعبارت دیگر این همه عوامل شرایط عینی را به حداعالی آن در جامعه مساعد ساخته است. " شورش علیه هر ناحقی برحق است." اگرچه در شرایطی شورشها و قیام های خودجوش توده های مردم علیه قدرت و یا قدرتهای امپریالیستی و رژیم های مزدور و ضد مردم سرآغازی برای یک مرحله از مبارزات ملی و طبقاتی

گسترده آنها شده و تداوم یافته است. اما این در صورتی ممکن است که قبلاً یک جنبش انقلابی نیرومند بحیث طلایه دارمبارزات طبقاتی و ملی توده های مردم در جامعه حضور داشته باشد. در غیر آن از این گونه شورشها و قیام های خودبخودی در نهایت بخش دیگری از دشمنان طبقاتی مردم بنفع شان استفاده خواهند کرد و یا توسط قدرتهای خارجی مسلط بر کشور و دولت دست نشانده سرکوب خواهد شد. در شرایط کنونی افغانستان با موجودیت این همه فشار ستم و جنایات و بیدادگری بر توده های مردم مظلوم یک عامل بالقوه از نیروی مقاومت را در جامعه بوجود آورده و بر مساعدت شرایط عینی جامعه بیش از پیش کمک نموده است. اگرچه شرایط عینی برای انجام انقلاب ضروراند ولی کافی نیستند. و وجود عامل ذهنی، حزب پیش آهنگ انقلابی (طبقه کارگر)، شرایط ذهنی در جامعه برای تحقق امر انقلاب به شدت نیاز است. فقط چنین حزب انقلابی است که با تکیه به استراتژی و تاکتیک درست انقلابی میتواند مبارزات ملی و طبقاتی توده های مردم را به شیوه اصولی رهبری نماید. بدون موجودیت چنین حزب انقلابی و انقلابیون واقعی زمینه هیچ حرکت سرنوشت سازی که مردم و میهن را از این فلاکت و بدبختی نجات داده و براه ترقی، رفاه و سعادت رهنمون شود، بوجود آمده نمی تواند.

یگانه راه نجات مردم و میهن از سلطه و ستم استعماری امپریالیزم و دولت دست نشانده و محوستم و استثمار فئودالیزم و امپریالیزم از کشور، مبارزه طبقاتی و ملی تحت رهبری نیروهای واقعاً انقلابی و مترقی است. چنانکه قبلاً تذکر یافت اگرچه در شرایطی شدت فشار ستم و استبداد دشمنان طبقاتی و ملی بر توده های مردم زمینه را برای ظهور حرکت های خودجوش مردمی مساعد می سازد؛ لکن تجربه نشان داده است که این گونه حرکتها بوسیله طبقات حاکم و حامیان خارجی شان سرکوب شده و یا بخشی از طبقات ارتجاعی مخالف رژیم از آن به نفع شان استفاده کرده اند.

در شرایط نیمه دوم سال 1357 خورشیدی و بعد از آن در شرایط تهاجم نظامی سوسیال امپریالیزم شوروی در 6 جدی سال 1358 خورشیدی بر کشور، ما شاهد شورش ها و قیام های خودجوش مردم ما بر ضد رژیم فاشیست خلقی پرچمی ها و اشغالگران سوسیال فاشیست شوروی بوده ایم، که چگونه نمایندگان طبقات ارتجاعی فئودال و تاجردلال به کمک و حمایت قدرتهای امپریالیستی غربی و دولت های ارتجاعی منطقه رهبری ارتجاعی شان را بر قیام ها و شورشهای خود جوش و مقاومت های مسلحانه توده های مردم علیه رژیم مزدور خلقی پرچمی ها و اشغالگران اتحاد شوروی، تحمیل کرده و حاصل همه خونریزی ها و فداکاریهای مردم افغانستان را به جهت منافع ارتجاعی و غارتگرانه شان به شکست کشاندند. قابل تذکر است که در آن شرایط اگرچه جنبش انقلابی و مترقی مردم افغانستان فعالانه در صحنه مبارزه طبقاتی و ملی حضور داشت؛ لکن بنا بر ضعف و ناتوانی اش و عوامل دیگر، نتوانست بر آن جنبش آزادی خواهانه توده های مردم اثر لازم گذاشته و آنرا تحت رهبری اش قرار دهد. باید از تاریخ مبارزات مردم خود و خلقها و ملل جهان آموخته و به تاریخ برخوردی دقیق، علمی و دیالکتیکی نمود. آموزش از تجارب و دست آوردهای مبارزات انقلابی رهانبخش خلقها و انقلابات نجاتبخش ملی ملل اسیر ما را در پیشبرد امر مبارزه ما علیه امپریالیزم و ارتجاع کمک مینماید. مردم ما باید به این حقیقت پی ببرند و آگاه شوند که هر حرکت و مبارزه آنها علیه امپریالیزم و ارتجاع بدون رهبری سازمان یافته انقلابی و مترقی یاب به شکست مواجه میشود و یابوسیله نیروهای ارتجاعی و قدرت های امپریالیستی دیگر مورد بهره برداری قرار میگیرد. مثال به شکست کشاندن مقاومت های قهرمانانه و فداکاریهای بی همتای مردم ما بر ضد سوسیال امپریالیسم شوروی و دولت مزدوران بوسیله گروه های جهادی و امپریالیستهای غربی و دولت های پاکستان و ایران و عربستان تحت رهبری دولت امریکا و نتیجه شومی که از آن بدست آمد یعنی دوران بربریت و جنایت حکومت های جهادی ها و رژیم طالبان و شرایط هفت سال اخیر کاملاً برجسته است. که تا امروز مردم ما در آتش جنگهای ارتجاعی و خانمانسوز و تجاوزات و جنایات

وستم و استبداد وحشیانه قدرتهای امپریالیستی ودولتهای ارتجاعی پاکستان وایران ومزدورا ن داخلی آنها میسوزند ودرآینده هم خواهند سوخت.

مردم ما خاصتاً روشنفکران مردمی درداخل کشورکه واقعاً علاقه به سرنوشت مردم وکشورشان دارند ومیخواهند درراه نجات مردم ومیهن شان حرکت ومبارزه سرنوشت سازی را انجام دهند باید بابصیرت وهوشیاری تمام متوجه این امرباشند که بدون کسب آگاهی سیاسی مترقی وانقلابی وایجاد سازمان واقعاً انقلابی مردمی وفعالیت درجهت بیداری توده های مردم، پیش بردامرمبارزه ملی وطبقاتی امردشواری است. ونباید درامررهبری مبارزات ملی وطبقاتی توده های مردم با شعارهای احساساتی عده ازروشنفکران که مدعی مبارزه مترقی اند متوهم شده ومساله مهم رهبری مبارزات مردم راعلیه قدرتهای اشغالگرو دولت مزدورشان ازیاد ببرند. بایدخوب دقت نمود وعمیق فکرکرد که هیچ مبارزه ای مردمی باشعارهای احساساتی محض ولوهرقدرخالصانه هم باشد به پیروزی نمی رسد. درست است که تبارزاحساسات ملی ومیهن پرستانه عده ای ازروشنفکران قابل تحسین است؛ لاکن آنچه که مهم وتعیین کننده درپیش بردامرمبارزات ملی وطبقاتی توده های مردم است، رهبری واقعاً انقلابی مردمی آنست. ازاین طریق است که میتوانیم آگاهی سیاسی رابه توده های مردم برسانیم وآنهارادرجهت مبارزه ملی وطبقاتی بسیج وسازماندهی کنیم. بدون شک این وظیفه ورسالت تاریخی روشنفکران انقلابی ومترقی کشوراست تا دراین راه بطوربی امان وخستگی ناپذیرمبارزه کنند تاشرایط ذهنی برای رهبری مبارزات توده های مردم علیه قدرتهای اشغالگرو دولت دست نشانده آماده گردد. درمهیاکردن چنین شرایطی است که میتوانیم مبارزات انقلابی مردم ما را درراه سرنگونی سلطه استعماری قدرت های امپریالیستی ودولت دست نشانده ومحوکامل حاکمیت طبقاتی فئودال ها وتاجران دلال وسلطه امپریالیزم ازکشوروتاسیس نظام دموکراتیک مردمی بگونه علمی وانقلابی رهبری نماییم.

**مرگ بر اشغالگران امریکائی وناتوودولت مزدورکری!**

**پیروزباد مبارزات انقلابی ومترقی خلقهای جهان برضدامپریالیزم وارترجاع!**

26 اگست 2008(5 سنبله 1387)

(فعالین جنبش نجاتبخش مردم افغانستان)